

بررسی رابطه ایران و آمریکا از آغاز تا سال ۱۳۲۵

(بر اساس نظریه پیوستگی جیمز روزنا)

صادق زیبا کلام^۱ - داود افشاری^۲ - حسین اصبغی^۳ - علی سلیمانی^۴

چکیده

در تاریخ معاصر ایران، رابطه ایران و ایالات متحده آمریکا از اهمیت به سزایی برخوردار بوده است. در این مورد، نویسندگان مقاله، به شناسایی عوامل نقش آفرین در روابط بین دو کشور پرداخته و آنرا از منظر «نظریه پیوستگی» جیمز روزنا، مورد بررسی قرار داده اند. بنابراین سوال مطرح شده در این مقاله این است که چه عوامل و متغیرهایی باعث آغاز و همچنین گسترش روابط، بین ایران و ایالات متحده آمریکا از آغاز تا سال ۱۳۲۵ گردید. تلاش شده است که در قالب نظریه پیوستگی جیمز روزنا به این سوال این چنین پاسخ داده شود که آغاز رابطه می بایست با متغیرهای داخلی (فرد، نقش، دیوانسالاری، جامعه) و گسترش روابط، علاوه بر متغیر فوق، با استفاده از متغیر خارجی (نظام بین الملل و منافع فزاینده آمریکا در ایران) مورد بررسی قرار گیرد. با بررسی دقیق روابط دو کشور به خوبی می توان منافع روز افزون آمریکا در ایران را مورد شناسایی قرار داد.

۱ استاد و عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران zibakalam1@yahoo.com

۲ کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران davod.afshary2014@gmail.com

۳ کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران asbaghi1@yahoo.com

۴ دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی مرکز پیام نور تهران ali.soleimani.8811@gmail.com

واژگان کلیدی: روابط ایران و آمریکا، نظریه پیوستگی جیمز روزنا، منافع فزاینده آمریکا در ایران، جهت‌گیری قدرت سوم.

مقدمه

در مطالعات اخیر صورت گرفته در مورد رابطه بین ایران و آمریکا، از آغاز تا خروج نیروهای شوروی از ایران در سال ۱۳۲۵، کتب و مقالات بسیاری موجود می‌باشد. با این وجود، این مطالب صرفاً به بازگویی تاریخی این موضوع پرداخته‌اند. اما موضوعی که کمتر به آن پرداخته شده است تحلیل روابط بین دو کشور از منظر یک دیدگاه نظری است. پژوهشگر در پی شناخت بیشتر موضوع، عوامل نقش آفرین در این رابطه را، اینچنین تقسیم‌بندی نموده است:

الف: متغیرهای داخلی: ۱- جهت‌گیری قدرت سوم^۱ در بین مقامات ایرانی، متاثر از فشار روز افزون روس و انگلیس ۲- تاثیر قوه مجریه و مقننه و همراهی این دو در گرایش رابطه با آمریکا به علت اقتصاد نابسامان کشور ۳- نگرش مثبت مردم به آمریکا به دلیل عدم سابقه استعماری این کشور

ب: متغیرهای خارجی: ۱- منافع ملی آمریکا «ژئوپولوتیک- نفت» ۲- رقابت این کشور با انگلیس و شوروی ۳- استقلال در سیاست خارجی

در واقع این شاخص‌ها با متغیرهایی که جیمز روزنا ارائه کرده است هماهنگی دارد. این متغیرها شامل متغیرهای داخلی (فرد، نقش، دیوانسالاری و جامعه)، و متغیر خارجی (نظام بین‌المللی) است. با گسترش روابط مشاهده می‌شود که عوامل نقش آفرین در روابط دو کشور، از متغیرهای داخلی به خارجی تمایل پیدا می‌کند. با توجه به سیر تاریخی روابط دو کشور، در این چارچوب، به خوبی می‌توان دریافت که منافع رو به رشد آمریکا در ایران، از مهمترین عوامل گسترش روابط و علاقه‌مندی آمریکاییها به ایران بوده است.

^۱ باید متذکر شد که اصطلاح قدرت سوم با نیروی سومی که خلیل ملکی مطرح کرده و به معنای نوعی موازنه منفی و عدم تعهد در مقابل جهان دو قطبی می‌باشد متفاوت است.

چارچوب نظری پیوستگی جیمز روزنا

به نظر جیمز روزنا در تصمیم‌گیری سیاست خارجی، علت رفتار سیاسی حکومت‌ها به مجموعه‌ای از این عوامل پنج‌گانه مربوط می‌شود: ۱ - متغیر شخصیت تصمیم‌گیرنده؛ فرد ۲ - نقش و میزان اختیارات تصمیم‌گیرنده؛ ۳ - متغیر دیوانسالاری حکومتی؛ ۴ - متغیر جامعه؛ ۵ - متغیر نظام بین‌الملل (سیف زاده، ۱۳۷۵: ۱۸۶-۱۹۷).

(۱) فرد: فرد، همان شاه یا رهبر است که جمع‌های کلان را رهبری می‌کند و در تصمیم‌گیریهای خارجی نقش اول را دارد (روزنا، ۱۳۸۴: ۱۷۰-۱۷۲).

(۲) نقش: سیاست جهانی، سیاست ملی، سیاست دیوانی و سیاست محلی، تنها تا آنجا از هم جدا هستند که دست اندرکارانشان بتوانند مرزبندی میان نقش‌هایی را که در نظام‌های گوناگون دارند، حفظ کنند و بر اساس همین جدایی نقش‌ها، به ایفای هر یک بپردازند. (روزنا، همان: ۲۹۵).

(۳) دیوانسالاری حکومتی: تاثیر قوای سه‌گانه در تصمیم‌گیری‌های خارجی سومین متغیر نظریه پیوستگی جیمز روزنا است. در این مورد، به خصوص باید بر تاثیر رابطه قوه مجریه و قوه مقننه اشاره داشت.

(۴) جامعه: تفکرات، جهت‌گیریها و ارزشهای برجسته در بین مردم یک جامعه، به صورت نیرویی پنهان، بر تصمیم‌گیری‌ها در سیاست خارجی یک کشور تاثیر می‌گذارد.

(۵) نظام بین‌الملل: به هر حادثه و یا کنش در محیط خارجی اشاره دارد که گزینه‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی را، محدود و آن را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

معرفی عوامل نقش آفرین در ایجاد روابط میان ایران و آمریکا

(۱) عوامل داخلی: روند طولانی دخالت روسیه و انگلیس در امور ایران، نخبگان سیاسی، روشنفکران و حتی مردم را متوجه قدرت‌های دیگری ساخت. این نیرو در اصطلاح علم روابط بین‌الملل به «قدرت سوم» موسوم است. از طرفی اوضاع خراب اقتصادی ناشی از مداخلات روس و انگلیس در سیاست‌های داخلی کشور، بر گرایش مقامات ایرانی به این نیرو بسیار تاثیر داشت. (نائیان، ۲۹۷: ۱۳۷۳).

۲) عوامل خارجی: از سویی ایالات متحده به تدریج با افزایش توان سیاسی، اقتصادی، سیاست مداخله در امور کشورهای دیگر را، پی گرفت. این کشور دایره نفوذ و ملاحظات خود را گسترش داده به نحوی که اندکی بیش از یک قرن از اعلام آموزه مونروئه^۱، با ورود آمریکا به جنگ جهانی اول و دوم، عملاً و رسماًصل انزوگرایی را به کار نهاد. (شوپ، ۶۷: ۱۳۶۴). پس با کشف نفت و آشکار شدن موقعیت ژئوپولیتیکی ایران برای مقامات آمریکایی، ایران کانون منازعات و رقابت این کشور با انگلیس و شوروی شد (مهدوی، ۱۳۶۸: ۳۶-۳۷).

با توجه به مطالبی که ذکر آن رفت و در پیوند این عوامل با متغیرهای جیمز روزنا، باید متغیرهای دخیل در رابطه ایران و آمریکا را، به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم نمود. در تقسیم بندی عوامل داخلی می توان به؛ ۱- متغیر تصمیم گیری های فردی: شکل گیری نوعی جهت گیری قدرت سوم در بین مقامات ایرانی، متاثر از فشار روز افزون روس و انگلیس (اقدامات ناصرالدین شاه، امیر کبیر، قوام، رضا شاه و محمد رضا شاه و...)، ۲- متغیر دیوانسالاری حکومتی: تاثیر قوه مجریه و مقننه و همراهی این دو، در گرایش رابطه با آمریکا به علت اقتصاد نا بسامان کشور. ۳- متغیر جامعه: نگرش مثبت مردم به آمریکا، به دلیل عدم سابقه استعماری این کشور، اشاره داشت و عوامل خارجی را نیز به: ۱- منافع آمریکا «ژئوپولوتیک- نفت» ۲- رقابت این کشور با انگلیس و شوروی ۳- استقلال در سیاست خارجی و به طور کلی منافع فزاینده این کشور در ایران، تقسیم نمود. در واقع رد پای این عوامل، در تمامی وقایع مربوط به روابط دو کشور به نحو بارزی حضور دارد. در ادامه مطالب با اشاره به روند تاریخی رابطه ایران و آمریکا به بررسی این متغیرها خواهیم پرداخت.

۱- از آغاز تا جنبش مشروطه خواهی:

منابع تاریخی از میرزا تقی خان امیرکبیر به عنوان نخستین دولتمردی که در برقراری روابط میان ایران و ایالات متحده تلاشهایی را آغاز کرد، یاد کرده اند (آدمیت، ۸۹: ۱۳۵۰). امیرکبیر در سیاست خارجی به منظور از بین بردن روابط انحصاری ایران با روس و انگلیس، درصد برآمد که با «نیروی ثالثی» ارتباط برقرار کند. (بینا، ۱۳۳: ۲/۱۳۷۱). بنابراین در زمان امیرکبیر (سال ۱۲۶۶ ق/ ۱۸۵۰ م) عهدنامه ای ناظر بر ایجاد روابط بازرگانی و کنسولی بین دو کشور منعقد گردید (تاثیر متغیر یک و سه داخلی).

^۱ - در حقیقت ایالات متحده با اعلام این نظریه اعلام می کرد که به سایر نقاط جهان کاری ندارد و قدرت های اروپایی می توانند تمام کشورهای جهان را حوزه نفوذ و سلطه خود قلمداد کنند.

در زمان ناصرالدین شاه، میرزاحسین خان سپهسالار در سفری که به روسیه داشت از وزیر مختار آمریکا خواست که تا درمورد بازگشایی سفارت آمریکا در تهران تلاش کند (یسلسون، ۱۳۸۳: ۶۰). در راستای این سیاست در سال ۱۸۸۳ م/ ۱۳۰۰ ق در دوره ریاست جمهوری «چسترالن آرتور» سفارتخانه آمریکا در ایران تأسیس و «ساموئل بنجامین» نخستین وزیر مختار آمریکا، برای انجام ماموریت سیاسی راهی ایران شد (بنجامین، ۱۳۶۹: ۲). از سوی دیگر، پس از مدتی در سال ۱۸۸۸ م/ ۱۳۰۵ ق سفارت ایران نیز در آمریکا تأسیس شد. (موجانی، ۱۳۸۴: ۱۵).

۲- موضع آمریکا در قبال جنبش مشروطه خواهی ایران:

در آن زمان، دستور دولت وقت آمریکا به ریاست «تنودور روزولت» نیز، این بود که آمریکا مطلقاً مسائل داخلی ایران و کشمکش بین دولت و مشروطه خواهان مداخله نکند (تأثیر متغیر سوم خارجی) (موجانی، ۱۳۸۴: ۲۷). ماموریت «ویلیام مورگان شوستر» نخستین مستشار آمریکایی در ایران در سال ۱۳۲۹ ق/ ۱۹۱۱ م از مهمترین وقایع تاریخی روابط ایران و آمریکا به شمار می آید. در مجلس دوم مذاکره پیرامون استخدام مستشاران خارجی از اتباع دولتهای بی طرف مطرح شد، (روزنامه مذاکرات مجلس دوره دوم تقنینیه، قسمت دوم: ۱۳۲۸: ۸۶۳-۸۶۲) و آمریکا که در آن زمان کشوری صلح طلب و بشردوست شناخته شده بود، مورد توجه رجال سیاسی ایران قرار گرفت. (تأثیر متغیر دو داخلی) (نانز، ۱۳۷۸: ۲۷)

۳- روابط دو کشور از جنگ جهانی اول تا شهریور ۱۳۲۰

در سوم اوت ۱۹۱۴ م/ ۱۳۲۲ ق جنگ جهانی اول آغاز شد. از آنجا که ایران در نتیجه جنگ دچار خسارات و صدمات فراوانی شده بود، به محض اینکه کنفرانس صلح در ژانویه ۱۹۱۹ م/ ۱۳۳۷ ق در ورسای تشکیل شد، تصمیم گرفت نمایندگانی به ریاست مشاور الملک انصاری وزیر امور خارجه، اعزام و خواسته های خود را به اطلاع دول فاتح برساند. بدنبال درخواست کمک ایران از آمریکا، وزیر مختار این کشور در تهران در تاریخ ۱۵ نوامبر ۱۹۱۸ م/ ۱۳۳۶ ق طی گزارش به وزارت امور خارجه آمریکا متذکر گردید که «اکنون امید ایران به ایالات متحده آمریکاست. پس لانسینگ وزیر امور خارجه آمریکا، طی نامه ای علاقمندی کامل و توجه مخصوص دولت آمریکا را مبنی بر شرکت نمایندگان ایران در کنفرانس صلح به دولت ایران ابلاغ نمود» (ذوقی، ۱۳۶۸: ۲۲۴). در

خصوص قرار داد ۱۹۱۹ باید گفت «جان کالدول» وزیرمختار آمریکا در تهران با انتشار اعلامیه‌ای «پرچم مخالفت با این قرارداد را برافراشت» (شیخ الاسلامی، ۱۳۶۸) در ۱۹ سپتامبر ۱۹۱۹، به امضای «لانسینگ» وزیر امور خارجه آمریکا، در تهران اعلامیه ای بر ضد انگلستان منتشر شد (مهدوی، ۱۳۸۴: ۳۶۱). این اعلامیه توسط اللهیاری صالح، مترجم سفارت آمریکا، پخش و منتشر گردید (صالح، ۱۳۸۱: ۸۱). اما ملک‌الشعراى بهار درباره اقدامات آمریکا می‌نویسد: «من خودم از وزیرمختار آمریکا در یکی از ملاقاتها شنیدم که می‌گفت قرارداد را به هم بزیند و دولت انگلیس را جواب بگوید آن وقت به دولت آمریکا مراجعه بکنید (تاثیر متغیر یک و دو خارجی) (بهار، ۱۳۵۷: ۳۹-۱). به گفته ابراهام یسلسون: «زمانی که آمریکا به قرارداد ایران و انگلستان حمله نمود راه نفوذ را برای ورود به ایران باز کرد» (یسلسون، ۱۳۸۳: ۲۶۳).

ژنرال مارشال، فرمانده ارتش بریتانیا در منطقه می‌نویسد: «در ماه اکتبر سپتامبر یک گروه آمریکایی که خود را «انجمن مبارزه با قحطی در ایران» می‌نامید وارد بغداد شد و من دستوراتی برای کمک به این گروه دریافت داشتم؛ مطمئن بودم که هدف این گروه «نفت» بود و نه مبارزه با قحطی...» (تاثیر متغیر یک خارجی) (میروشنکف، ۱۳۴۵: ۱۰۲).

۴- جنگ جهانی دوم: حضور فعالانه آمریکا در صحنه سیاسی ایران:

پس از آنکه هیتلر در آذرماه ۱۳۲۰ش به آمریکا اعلان جنگ داد، و نیروهای آمریکایی رسماً به متفقین پیوستند، روزولت رئیس جمهور آمریکا پیشنهاد کرد تا به طور کلی آمریکاییها عهده دار کلیه امور حمل و نقل مواد و مهمات به روسیه در ایران گردند» (تاثیر متغیر یک خارجی) (ذوقی، ۱۳۶۸: ۱۵۸).

باید گفت وزارت خارجه آمریکا مصمم بود تا از اعزام مستشاران نظامی به ایران استفاده کرده و منافع و علائق خود را در مسائل ایران بطور مثبت و قاطعی مورد تایید و تعقیب قرار دهد «بطوری که در دسامبر ۱۹۴۲/ آذر ۱۳۲۱ سی هزار سرباز به ایران گسیل داده شد» (فوران، ۱۳۷۷: ۴۰۴). جرجان کارشناس امور خاور نزدیک در وزارت خارجه آمریکا، با آغاز سال ۱۹۴۳ در گزارشی که برای وزیر امور خارجه آمریکا تهیه کرده است می‌نویسد: «سیاست مداخله‌جویانه انگلیس و روس در ایران مردم را نسبت به هر دو دولت بدبین ساخته است و آمریکا باید این خلاء را با تعقیب سیاستی در جهت جلب دوستی و اعتماد ایرانیان پر کند» (تاثیر متغیر یک و دو خارجی) (نانز، ۱۳۷۸: ۱۵۲). از این رو، دولت آمریکا قبل از پایان جنگ جهانی دوم شروع به گسترش منافع خود در

ایران نمود. در آذرماه ۱۳۲۲ / نوامبر ۱۹۴۳ که کنفرانس سران سه کشور آمریکا، شوروی و انگلیس در ایران برگزار شد روزولت حمایت بی‌دریغی از ایران کرد (برژنکف، ۱۸۸، ۱۳۵۷، ۱۹۰).

۵- سیاست آمریکا در قبال ایران در سال‌های اولیه جنگ سرد:

با ورود هیأت «سرگنی کافتارادزه» به تهران در شهریور ۱۳۲۳ / سپتامبر ۱۹۴۴ موضوع نفت ایران، وارد مرحله جدیدی شد. «شوروی‌ها بر این باور بودند که شمال ایران حریم یا منطقه نفوذ آنهاست و امتیاز نفت این منطقه به آنها تعلق دارد» (تاثیر دو خارجی) (روبین، ۱۳۶۳، ۳۱). در چنین اوضاع و احوالی، دکتر مصدق طرح منع واگذاری امتیاز نفت ایران به بیگانگان، به هر عنوان را در جلسه ۱۱ آذر ۱۳۲۳ / ۲ دسامبر ۱۹۴۴ تسلیم مجلس کرد و آن را در همان مجلس به تصویب رساند (ساتن، ۱۳۲، ۱۳۷۲).

با پایان یافتن جنگ جهانی دوم، در سال ۱۳۲۳ ش / ۱۹۴۵ م نیروهای آمریکایی در مهلت شش ماهه‌ای که بر اساس تصمیمات کنفرانس سران متفقین در تهران برای تخلیه ایران از نیروهای خارجی پیش‌بینی شده بود، ایران را تخلیه کردند، ولی دولت شوروی به بهانه‌های مختلف، از بیرون بردن نیروهای خود از ایران خودداری نمودند. در ۶ مارس ۱۹۴۶ / ۱۶ اسفند ۱۳۲۴ دولت آمریکا اعلام کرد که سفیر آن کشور در مسکو طی یادداشتی از دولت شوروی دعوت کرده است که نیروهای خود را هر چه زودتر از ایران فرا بخواند (فونتن، ۱۳۶۶: ۳۶۱-۱).

با طرح دعوا در سازمان ملل و نیز حمایت محکم آمریکا از ایران، در واداشتن شوروی به حصول نوعی توافق با ایران نقش تعیین‌کننده ایفا کرد. با موافقت طرفین، در ۱۵ فروردین ۱۳۲۵ / ۱۹۴۶ موافقتنامه قوام و ساد چیکوف به امضاء رسید (فونتن، ۱۳۶۶، ۳۶۱). به گفته ترومن: «در سال ۱۹۴۶ من مجبور شدم اولتیماتومی به نخست‌وزیر اتحاد جماهیر شوروی فرستاده از او تقاضا کنم که مقررات پیمان سه‌گانه را رعایت نماید» (روحانی، ۱۳۸۱: ۴۵). سئوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که این همه حمایت و پشتیبانی آمریکا از ایران برای چه بود؟ به نظر می‌رسد که این سیاست حمایتی آمریکا در قبال ایران را باید بر اساس علائق رو به رشد ایالات متحده در منطقه و روابط رقابت‌آمیز و گاهی خصمانه آن با شوروی و حتی انگلیس مورد بررسی قرار داد.

نتیجه‌گیری

این مقاله با بهره‌گرفتن از چارچوب نظری جیمز روزنا به شناسایی عوامل موثر در روابط دو کشور پرداخت و متغیرهای دخیل در این رابطه را، به دو بخش داخلی و خارجی تقسیم کرد. چنانچه ذکر گردید، شروع روابط بین دو کشور را می‌بایست، با متغیرهای داخلی، و توسعه روابط را علاوه بر متغیرهای داخلی، با متغیر خارجی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. با توجه به سیر تاریخی روابط دو کشور در این چارچوب، به خوبی می‌توان دریافت که منافع رو به رشد آمریکا در ایران، از مهمترین عوامل گسترش روابط و علاقه مندی آمریکاییها به ایران بوده است. زیرا با گسترش روابط مشاهده می‌شود که عوامل نقش آفرین در روابط دو کشور، از متغیرهای داخلی به خارجی تمایل پیدا می‌کند.

منابع

- آدمیت، فریدون (۱۳۶۲)، «امیرکبیر و ایران، تهران»، انتشارات خوارزمی، ص ۵۷۳.
- آبراهامیان، یرواند، ایران بین دو انقلاب، مترجم: احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، (تهران، نشر نی، ۱۳۸۳)، ص ۱۷۸
- بهار، ملک الشعرا (۱۳۵۷)، «تاریخ احزاب سیاسی»، جلد ۱، تهران، انتشارات کتابهای جیبی.
- بیل، جیمز (۱۳۷۱)، «عقاب و شیر»، مترجم: مهوش غلامی، تهران، انتشارات شهرآب.
- بینا، علی اکبر (۱۳۷۱)، «تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران»، ج ۲، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- بنجامین، ساموئل (۱۳۶۹)، «سفرنامه بنجامین»، مترجم: حسین کردبچه، تهران، انتشارات علمی.
- روزنا، جیمز (۱۳۸۴)، «آشوب در سیاست جهان، نظریه ای درباره دگرگونی و پیوستگی»، مترجم: علیرضا طیب، تهران، انتشارات روزنه.
- روبین، باری (۱۳۶۳)، «جنگ قدرت ها در ایران»، مترجم: محمود مشرقی، تهران، انتشارات آشتیان.
- روحانی، فواد (۱۳۸۱)، «زندگی سیاسی مصدق»، تهران، انتشارات زوار ص ۴۵.
- «روزنامه ی مذاکرات مجلس دوره دوم تقنینیه (۱۳۲۸)»، قسمت دوم: ۸۶۳ - ۸۶۲.

بررسی رابطه ایران و آمریکا از آغاز تا... / ۴۱

- سیف زاده، سید حسین (۱۳۷۵)، «مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی»، تهران، وزارت خارجه.
- شوپ، لورنس. اچ و ویلیام مینتر (۱۳۶۴)، «تراست مغزهای امپراطوری»، مترجم: منصور آسیم، تهران، انتشارات اطلاعات.
- شیخ الاسلامی، جواد (۱۳۶۸)، «اسناد محرمانه وزارت امور خارجه بریتانیا درباره قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس»، تهران، بنیاد موقوفات دکتر افشار.
- علم، مصطفی، نفت، قدرت و اصول: پیامد های کودتای ۲۸ مرداد، مترجم: غلامحسین صالحیار، (تهران انتشارات چاپچخش، ۱۳۷۷)، ص ۸۴
- مهدوی، عبدالرضا هوشنگ (۱۳۸۶)، «سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی»، تهران، نشر پیکان.
- میروشنکف ل.ی (۱۳۴۵)، «ایران در جنگ جهانی اول»، مترجم: دخانیاتی، تهران، نشر فرزانه.
- موجانی، علی رضا (۱۳۸۴)، «بررسی مناسبات ایران و آمریکا ۱۹۲۵-۱۸۵۱»، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
- مهدوی، عبدالرضا هوشنگ (۱۳۷۵)، «تاریخ روابط خارجی ایران»، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- مهدوی، عبدالرضا هوشنگ (۱۳۶۸)، «روابط خارجی ایران از پایان جنگ جهانی دوم تا سقوط رژیم پهلوی»، تهران، نشر مولف.
- گروه جامی (۱۳۸۱)، «گذشته چراغ راه آینده، ویراستار بیژن نیک بین»، چاپ سوم، تهران، انتشارات نیلوفر.
- ساتن، ال (۱۳۷۲)، «نفت ایران»، مترجم: رضا رئیس طوسی، تهران، نشر صابرین.
- فوتن، اندره (۱۳۶۶)، «تاریخ جنگ سرد، ۲ جلد، مترجم: هوشنگ مهدوی، تهران، نشر نو.
- فاوست، لویز (۱۳۷۴)، «ایران و جنگ سرد، بحران اذربایجان، مترجم: کواوه بیات (تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی ص ۱۹۵.
- یسلسون، آبراهام (۱۳۸۳)، «تاریخ روابط سیاسی ایران و آمریکا»، مترجم: محمد باقر آرام، (تهران، نشر البرز.
- نانز، آلن، الکساندر یوناهاو (۱۳۷۸)، «تاریخ مستند روابط دوجانبه ایران و ایالات متحده آمریکا»، مترجم: سعیده لطفیان و علی صادقی، تهران، نشر قومس.
- ذوقی، ایرج، روابط سیاسی ایران و قدرت های بزرگ ۱۹۲۵-۱۹۰۰، (تهران، نشر پاژنگ، ۱۳۶۸)،

صالح، اللهیار، به روایت اسناد، (تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱)،
کگلی، چارلز و اوجین ویتکف، الگو و روند در سیاست خارجی امریکا، مترجم: اصغر دستمال
چی (تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۲)،
نائیبیان، جلیل، روابط ایران با دول خارجی در دوران قاجاریه، (تهران، فردابه ۱۳۷۳)،

Archive of SID